

نگاهی به بر ساخت یک جامعه عشق محور با الگوسازی در زمینه‌ی گفتگو محوری (مورد مطالعه: شهر تهران)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۳۰

خلاصه

مقدمه: این تحقیق با هدف شیوه‌های بر ساخت یک جامعه عشق محور شکل گرفته است. رویکرد روش شناختی پژوهش حاضر، رویکرد کیفی و مبتنی بر روش فرود به زمین و گرانددتوری است.

روش کار: در این تحقیق با بیست نفر از محققین و افرادی که عشق را نه صرفاً به مثابه یک سوژه روان شناختی در رابطه خصوصی بین یک فرد با فرد دیگر، بلکه به مثابه یک موضوع اجتماعی می‌بینند، مصاحبه‌های عمقی صورت گرفته است. این مصاحبه‌ها به شکل رفت و برگشتی انجام شده و در مدت زمان طولانی، داده‌های مورد نظر جمع‌آوری شده است.

نتایج: یافته‌های پژوهش در هشت محور اساسی نشان می‌دهد که می‌توان به یک جامعه عشق محور دست یافت که این هشت مقوله شامل گفتگوی مدنی، اعتمادسازی به مثابه رویه استحکام بخشی شهروندان در برابر ریسک‌ها و خطرات، توجه به عشق به مثابه سرمایه اجتماعی و فرهنگی، مراقبت و دگرشکوفایی، تخیل جمعی عشق محور، اراده معطوف به عشق، پیوندهای اتحادبخش و عبور از فرقه‌گرایی است که همه این مقوله‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدن به یک جامعه عشق محور باید زیرساخت‌های فکری و ارزشی جامعه تغییر کند. نگاه اکثر کسانی که در این مقاله با آنها گفتگو شده است این است که برای رسیدن به یک جامعه عشق محور باید شرایط گفتگو محوری و عبور از مونولوگ محوری ایجاد شود. در حقیقت در اینجا باید شرایط به گونه‌ای تغییر کند که مسأله تبعیض، عدم دربردارندگی و جلوگیری از سقوط انسان و حفظ فردیت او مدنظر قرار گرفته و راهبردهایی برای آن ایجاد شود. چرا که ترکیب دیالکتیکی این سه وجه عامل اساسی توسعه نیافتگی ایران به حساب می‌آید. مقوله مرکزی یافته‌های این تحقیق، «گفتگو به شیوه ورود به یک بازی برد-برد» را نشانه می‌گیرد که اگر در جامعه شکل گیرد، کنشگری و عبور از خودشیفتگی و از خودبیگانگی و گسترش همکاری و سود همگانی نتایج آن خواهد بود. علاوه بر این در یک جامعه عشق محور بازی بین کنشگران می‌تواند بازی باخت -

برد هم باشد که به معنای اینار کنشگران به نفع دیگران است

کلمات کلیدی: عشق اجتماعی، گفتگو، اعتماد، جامعه عشق محور

پی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می‌باشد.

مهرداد ناظری^{*۱}

^۱ عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: mehrdad_nazery@yahoo.com

مقدمه

بدون شک یکی از موضوعات مهمی که در طول تاریخ وجود داشته است، توجه به مسأله عشق است. باید در نظر داشت که در خصوص عشق نظریات و دیدگاه‌های بسیار متفاوت و متنوعی وجود دارد. در علم روانشناسی، بیشتر مواقع عشق را در رابطه خاص یک فرد با فرد دیگر در نظر می‌گیرند. اما در سالهای اخیر که نگاه جامعه‌شناسی به عشق نیز مطرح شده، مقوله‌ای به نام عشق اجتماعی^۱ به صورت جدی‌تر محلی از اعراب پیدا کرده است. بر این اساس اریک فروم^۲ که یکی از متخصصین عشق در دوره مدرن به حساب می‌آید، می‌گوید: «عشق فعال بودن است، نه فعل پذیر؛ "پایداری" است، نه "سارت". به‌طور کلی، خصیصه فعال عشق را می‌توان چنین بیان کرد: عشق در درجه اول نثار کردن است نه گرفتن». (فروم، ۱۳۹۷: ۱۱). در واقع آنچه که فروم می‌گوید و بر آن اعتقاد دارد ساحتی متفاوت را برای عشق قائل است. او معتقد است نمی‌توان عشق را در

یک حس زودگذر و انفعالی در نظر گرفت. بلکه باید عشق را یک کنشی در نظر گرفت که در جامعه می‌تواند باعث ایجاد تعامل و ارتباطات بین افراد مختلف شود. اریک فروم تصویری از یک انسان کنشگر را مطرح می‌کند که بین خود و جامعه رابطه برقرار می‌کند و بر این باور است که اگر فرد به خود آگاهی برسد می‌تواند در جامعه نیز تأثیرگذار باشد. با توجه به دیدگاه فروم به نظر می‌رسد که عشق را می‌توان کنشی فعال و اثرگذار بر روی خود و جامعه دانست. از این منظر می‌توان یکی از خصیصه‌های اجتماعی و فرهنگی را عشق نامید. در حقیقت می‌توان عشق را در یک قالب متفاوت مدنظر قرار داد، در یک صورت‌بندی عام، عشق را در سه الگو و قالب زیر مورد توجه قرار داد.

۱- عشق‌های بالغ^۳

۲- عشق‌های نابالغ^۴

۳- عشق‌های تروماتیک (آسیب‌زا)^۵

جدول ۱. تیپ‌شناسی حساس‌گر از انواع عشق

ویژگی‌ها	تیپ‌های عشق‌ورزی	نتایج
- رو به تکامل و پیشرفت	- عشق به خدا	- ایجاد احساس آزادی
- توجه به عناصر زیباشناسی	- عشق به طبیعت و حیوانات	- رسیدن به تعالی فردی و
- خردورزانه	- عشق به انسان دیگر به شکل متعالی	تعالی اجتماعی
- مبتنی بر شناخت و آگاهی	و رو به پیشرفت	- آگاهی اجتماعی
- آزادی‌طلبی	- عشق خلاق	- توسعه
- توجه به ابعاد جسمی و روانی و اجتماعی		
- زودگذر	- عشق جنسی	- احساس تملک‌خواهی
- لذت کم عمق	- عشق در سنین بلوغ	- تقلیل قدرت اثرگذاری
- مبتنی بر خواسته‌های فیزیکی و جسمی	- نوع خاصی از عشق رمانتیک	اجتماعی فرد
- مبتنی بر هوس		- آگاهی کاذب

4 immature love

1 Social love

5 Traumatic love

2 Erich Fromm

3 mature love

- دارای جنبه‌های حسادت، رقابت و....

- آگاهی کاذب	- عشق‌های توهم گونه	- مبتنی بر اختلالات روانی
- گسترش نرخ خشونت	- عشق‌هایی که منجر به قتل می‌شود	- ضدمنفعت خود و دیگری
- اجتماعی و پرخاشگری	(همسرکشی)	- ضدجنبه‌های اجتماعی
- ایجاد تعارض‌های	- عشق‌هایی با نتایج اسیدپاشی	- عدم تأیید عرف
- اجتماعی و فرهنگی	- عشق‌های سادیسمی و مازوخیسمی	- اولویت‌بخشی به خشونت و پرخاشگری
		- جنبه‌های مازوخیسمی و سادیسمی
		- توهم‌گرایی - مبتنی بر جهل

به خصوص مردان علیه زنان روبرو می‌شویم. این نوع عشق نیز در اینجا مدنظر قرار ندارد.

اما نوع سوم عشق‌های بالغ است که کیفیت اجتماعی و فرهنگی دارد و در آن به مقوله‌های متفاوتی توجه می‌شود. از نظر اریک فروم عشق را باید نوعی خردورزی در نظر گرفت که می‌تواند جزء خصیصه‌های متعالی انسان و یک جامعه باشد (ناظری، ۱۳۹۹). آلن بدیو^۶ فیلسوف و جامعه‌شناسی فرانسوی نیز عشق را در کنار علم و هنر و سیاست قرار می‌دهد. او معتقد است که: «عشق به شرطی عشق است که به آمیزه‌ای از احساسات‌گرایی و غریزه جنسی صرف پایین نیاید. بدیو صریحاً تأکید دارد که در نگاه او هر چهار مقوله باید بتوانند کار خود را به درستی انجام دهند تا بتوانیم در جاهایی به نتیجه مطلوب برسیم. بر اساس نگرش او عشق اگر عشق باشد می‌تواند به باز تولید حقیقت کمک نماید» (بدیو، ۲۰۰۹). در واقع بدیو در کتاب "در ستایش عشق" می‌نویسد: «من فکر می‌کنم هنگامی که صرفاً تمرکز بر روی احساسات و امیال باشد همیشه این امکان وجود دارد که فرد دچار نوعی شی‌وارگی^۷ شود. به این معنا که در چنین حالتی فرد فقط به فوران امیال خود می‌اندیشد و این او را از عشق دور می‌کند. بر این اساس بدیو در این کتاب تأکید می‌کند که عشق در تعدادی از جنبه‌ها با میل جنسی در تضاد است. او معتقد است که عشق

عشق‌های نابالغ مجموعه عشق‌هایی است که بیشتر از جنبه روانشناسی مدنظر قرار می‌گیرد و از نظر روانشناسی و زیست‌شناسی در تحلیل‌ها بر اساس شخصیت هر فرد ارائه و بیان می‌شود. بیشتر به نوعی عشق‌های عاطفی و هیجانی بین زنان و مردان است که توسط اکثر افراد ممکن است، تجربه شود. به عنوان مثال وقتی که دو جوان عاشق یکدیگر می‌شوند و به حسب این رابطه مسیری را برای با هم بودن می‌پیمایند، می‌توان نوعی عشق نابالغ محسوب کرد. اصولاً محور عشق‌های نابالغ رابطه جنسی است و پایداری در آن وجود ندارد، و بعد از مدتی ممکن است، زائل گردد. در این مدل، چه بسا افرادی که با عشق ازدواج کرده و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند اما ممکن است پس از مدتی از یکدیگر جدا شوند. فردی که روزگاری خود را عاشق می‌دانسته، پس از مدتی خود را موجودی ناموفق و متنفر از جنس مخالف در نظر می‌گیرد.

عشق‌های تروماتیک یا آسیب‌زا عشق‌هایی هستند که شکل صوری عاشقانه دارند و از لحاظ برخی از مردم یا کنشگران اجتماعی عشق نامیده می‌شوند اما نمی‌توان الزاماً آنها را به معنای واقعی عشق دانست. مثل روابطی که با عشق آغاز می‌گردد اما در مسیر این رابطه با پدیده‌هایی مثل قتل، همسرکشی، شکنجه یا آزارهای مختلف یکی از طرفین و

⁷ Fetishistic

⁶ Alain Badiou

توجه داشت مسئله عدم دربردارندگی است. دربردارندگی یعنی وقتی که به نظام اجتماعی نگریسته می‌شود آیا به واقع همه چیز در اختیار همگان قرار می‌گیرد؟ این همان نگاهی است که مارکس نیز بر آن تأکید داشته است. جامعه‌ای که جامعه عدالت‌محور او، جامعه‌ای است که همه امکانات در اختیار همگان است (آرون، ۱۳۹۳). در سیستم عدالت توحیدی در اسلام نیز ما به چنین رویه‌ای برمی‌خوریم. جامعه‌ای که در آن عاری از تمایزها و تفکیک‌های استثمارگونه است و همه می‌توانند از امکان جامعه، بهره‌مناسبی داشته باشند. بنابراین عدم دربردارندگی در این بحث نیز موضوع مهمی است.

نکته سوم بحث واژگونی یا نوعی سقوط است. در واقع بدین معناست که انسان عصر مدرن با تقلیل و کژکارکردی روبرو شده است. در واقع به قول ماکس وبر اگر چه عقلانیت^{۱۴} مبانی دنیای مدرن است اما نوعی عدم عقلانیت^{۱۵} در آن ایجاد شده و انسان در قفس آهنین^{۱۶} زیست می‌کند. زندگی در قفس آهنین نشان می‌دهد که انسان به مثابه انسان از ساحت اصلی خود دور شده است (فروند، ۱۳۸۳). مجموعه تبعیض، واژگونگی و عدم دربردارندگی باعث شده تا انسان و به تبع آن در یک رابطه دیالکتیکی با جامعه دچار توسعه نیافتگی شود. علی‌رغم این که ما جوامع را به توسعه یافته و توسعه نیافته تقسیم می‌کنیم اما به نظر می‌رسد، همچنان همه کشورها از تحقق انسان بالغ و خود شکوفا دور مانده‌اند، که تجربه جهانی کرونا و در پی آن مرگ‌ومیرها در کل دنیا مدعای این دیدگاه است. آن‌چه که این مقاله بر آن تأکید می‌گذارد این است که مقوله عشق در اینجا می‌تواند نقش بسیار پررنگی را ایفاء کند. در حقیقت عشق

فراتر از امیال جنسی پیش می‌رود. او هم‌آوا با ژاک لاکان^۸ می‌خواهد انسان را از خودشیفتگی نجات دهد. بر این مبنا عشق از نظر او به نوعی خرد نزدیک می‌شود (بدیو، ۲۰۰۹). همه اینها نشان می‌دهد که نوع نگاه به عشق می‌تواند با جنبه‌های مختلف و متفاوتی روبرو شود. این نوشتار تلاش می‌کند تا عشق را از منظر نوعی سنخ آرمانی^۹ ماکس وبر^{۱۰} در خدمت ایجاد یک جامعه عشق‌محور قرار دهد. جامعه عشق‌محور از این منظر جامعه‌ای است که در آن اساساً با نگرش انتقادی به جامعه مدرن نگاه می‌کند. یا با عینک وبری، باید این سوال را از خود پرسید که چه چیزی در جامعه مدرن نوعی تضاد برهم زننده را ایجاد می‌کند؟ در اینجا به سه وجه باید توجه شود که این سه وجه می‌تواند منشأ همه چالش‌ها در یک نظام اجتماعی ضدعشق باشد.

الف- تبعیض^{۱۱} ب- عدم دربردارندگی^{۱۲} ج- واژگونی یا سقوط^{۱۳}

یکی از موضوعات مهم در دنیای مدرن وجود تبعیض است. تبعیض یعنی عدم دسترسی همه افراد یک جامعه به منابع. به نظر می‌رسد که تبعیض‌هایی که در جامعه مدرن دیده می‌شود بسیار فراگیر و گسترده است. تبعیض بین زنان و مردان، بین سیاهپوستان و سفیدپوستان و سرخ‌پوستان، بین اقلیت‌های قومی در جهان. همه و همه نشان می‌دهد که تبعیض و بی‌تفاوتی به حقوق اجتماعی اقلیت‌ها، مسئله‌ای حل نشده است. در واقع باید پذیرفت که یکی از ریشه‌های معضل در جوامع امروزی و به ویژه در جامعه ایران، مسئله تبعیض است. از این منظر وقتی که تبعیض وجود دارد، نابرابری بازتولید می‌شود. در ایران ریشه تبعیض در گسترش فرهنگ مردسالاری نهفته است. نکته دوم که باید به آن

¹³ Overturning or falling

¹⁴ Rationality

¹⁵ Irrationality

¹⁶ Iron Cage

⁸ Jacques Lacan

⁹ Ideal Type

¹⁰ Max weber

¹¹ Discrimination

¹² Lack of Inclusion

اجتماعی یا عشق به مثابه یک سرمایه اجتماعی و فرهنگی می‌تواند راهبرد مناسبی برای تولید عشق بالغ باشد. این همان چیزی است که شاید جامعه بشری به آن نیاز دارد. در این تحقیق که با روشنفکران و اندیشمندان حوزه عشق گفتگو صورت گرفته، به نوعی به ایده‌آلسازی در خصوص شرایط آرمانی برای رسیدن به یک جامعه توسعه یافته توجه دارد. در مجموع این تحقیق در پی آن است که به یک سوال اصلی پاسخ بگوید. جامعه عشق محور (جامعه مبتنی بر عشق بالغ) چگونه جامعه‌ای است؟ دارای چه خصیصه‌هایی است و چگونه می‌توان آن را ایجاد کرد؟

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

در زمینه این موضوع به‌طور مشخص کار علمی مستقلی صورت نگرفته و این تحقیق در نوع خود نوآورانه و خلاق به حساب می‌آید. به جز اولین نمونه که پایان نامه دکترای محقق است، که در اولین پیشینه این بخش به اجمال معرفی شده است. اما از وجه تجانس با موضوع، مقالات زیر حائز اهمیت است و به نوعی شباهت‌هایی با سوژه اصلی دارد.

۱- مهرداد ناظری (۱۳۹۹) در پایان نامه دکترای خود با عنوان ارائه مدلی برای جامعه عشق محور بر اساس بازتعریف مفهوم عشق (مورد مطالعه: شهر تهران) بر این موضوع تاکید می‌کند که عشق یکی از سوژه‌های مهم هزاره سوم است که باید به آن توجه شود. محقق در این تحقیق ویژگی‌های انسان عشق محور و جامعه عشق محور را بر اساس مفهوم‌سازی حساس هربرت بلومر^{۱۷} ارائه می‌دهد. این تحقیق که در دو فاز کیفی و کمی صورت گرفته، نشان می‌دهد که در مدل عشق اجتماعی مشارکت، همکاری، فضاهای ارتباطی موثری در صورت فهم عشق در دیالکتیک اجتماعی و برساخت آن در کنش متقابل شکل می‌گیرد که در نوع خود قابل تامل است.

۲- امیر بختیاری (۱۳۹۸) در پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی خود با عنوان "بررسی تفسیری پدیده خشونت؛ برآیند عشق و نفرت در خانواده‌های تهرانی مناطق ۳ و ۱۵" به موضوع روند دیالکتیکی عشق و نفرت و خشونت در خانواده‌های تهرانی می‌پردازد و این موضوع را از زاویه عمقی و کیفی مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش که با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای صورت گرفته است و محقق با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه‌های عمقی و مشاهدات به جمع‌آوری داده‌های خود از میدان تحقیق پرداخته است نشان می‌دهد که عشق و نفرت مرتباً در خانواده‌های ایرانی در حال بازتولید و به نوعی به یکدیگر تبدیل می‌شوند. در این تحقیق که جامعه آماری از ساکنان مناطق ۳ و ۱۵ انتخاب شده است و از میان آنها به صورت تصادفی با ۳۰ نفر بدون در نظر گرفتن جنسیت مصاحبه شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عشق به خشونت، نفرت به عشق، عشق به نفرت، کینه به خصومت، خصومت به عشق و در سطحی دیگر عشق به عشق مبدل می‌شود. این جریان‌های چرخشی مبدأ اصلی، فهم جدیدی از روندهای شکل‌گیری عشق و خشونت، و نفرت و خشونت است. این تحقیق ادعا می‌کند، در واقع همان لحظه که عشق پدید می‌آید، خشونت نیز شکل می‌گیرد. یافته‌های این تحقیق پس از مستندسازی‌های صورت گرفته در قالب چند مدل پارادایمی نمایش داده شده است.

۳- ابراهیم بی‌آزار شیرازی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "تحلیل دیالکتیکی شکل‌گیری عشق در کنش اجتماعی پیوسته" به بررسی مفهوم عشق می‌پردازد و در تلاش است تا فهم جدیدی از عشق را در قالب مطالعه فرآیندی جامعه پیدا کند. او در پی پاسخگویی به یک سؤال است که چگونه عشق در جامعه شکل می‌گیرد؟ این تحقیقی کیفی و با رهیافت نظریه زمینه‌ای و استفاده از روش مصاحبه عمقی صورت گرفته است. در این تحقیق محقق با استفاده

¹⁷ Herbert Blumer

۴- فاطمه ابوالحسن (۱۳۹۸) در پایان نامه خود با عنوان "بررسی تفسیری سواد عاطفی معلم‌ها در دبستان دخترانه آیت‌الله مرعشی نجفی" به بررسی تفسیری سواد عاطفی معلم‌ها پرداخته است. او در این تحقیق که با استفاده از روش گراندد ثوری^{۱۸} انجام داده است به مصاحبه‌های عمقی با معلم‌ها در این زمینه پرداخته است. در این تحقیق محقق با ده نفر از معلم‌ها مصاحبه انجام داده که نتایج در این تحقیق نشان می‌دهد با توجه به تغییر مفهوم سواد در دنیای جدید سواد عاطفی یک موضوع مهم است که باید به آن توجه شود. در حال حاضر سواد عاطفی و عاشقانه در مدارس ایران آموزش داده نمی‌شود هر چند که معلم‌ها هر یک به گونه‌ای تلاش می‌کنند تا به شیوه خود تأثیری از منظر عاطفی و مهرورزانه بر روی دانش‌آموزان داشته باشند. در این تحقیق محقق به شاخص‌سازی سواد عاطفی و عاشقانه می‌پردازد و در نهایت مفاهیم حساس سواد عاطفی را شامل مهارت مهرورزی، خودآگاهی، مدیریت عواطف، ارتباط مؤثر، عزت نفس، اعتماد به نفس، خلاقیت، گفتگو و ایجاد آرامش می‌داند.

پیشینه خارجی

در عناوین انگلیسی نیز موارد هم‌خوان یافت نشد و صرفاً موارد متجانس به شرح زیر دیده شد.

۱- نیکولا مونتانا^{۱۹} (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان "عشق اجتماعی رهیافتی به سوی جامعه‌شناسی نوین" بر این باور است اگر چه عشق در مرکز زندگی ما قرار دارد و در بسیاری از رشته‌ها به آن توجه شده است اما در جامعه‌شناسی کمتر به آن پرداخته شده است. به جز در جامعه‌شناسی معاصر توسط افرادی مثل نیکلاس لومان^{۲۰}، آنتونی گیدنز^{۲۱}، اولریش بک^{۲۲}، زیگموند باومن^{۲۳} و غیره از زوایای اجتماعی

از روش نمونه‌گیری نظری داده‌های خود را از میان افراد ۴۵-۳۰ سال گردآوری کرده است و از میان ۱۴ مصاحبه ۲۸ فرآیند عاشقانه از خرد سالی تا بزرگسالی را شناسایی کرده است و طی فرآیند کدگذاری به مقوله تخیل عاشقانه دست یافته است. در نهایت محقق نظریه خود را با عنوان "رانه عشق" مطرح می‌کند. رانه شامل دو عنصر تخیل عاشقانه و عنصر فعال ساز است. تخیل عاشقانه در راستای امر مطلوب پیرامون نیازهای جسمی و عاطفی، انتظارات اجتماعی، محرومیت و عقده‌ها شکل گرفته و تحت تأثیر زمینه‌های زیستی، خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. محقق بر این باور است که امر مطلوب شامل خود ایده‌آل در ارتباط با فرد ایده‌آل در جهت یک زندگی ایده‌آل شکل می‌گیرد. در واقع این تخیلات از کودکی شروع به شکل‌گیری می‌کند و پیوسته در مواجهه با واقعیت‌ها و شرایط زمینه‌ای و مقتضیات سنی تغییر و بهبود می‌یابد. این تخیل نیاز به بستر ظهور دارد و عاملی فعال‌کننده دارد. محقق بر این اعتقاد است که عنصر فعال‌ساز عاملی است که این تخیل را فعال می‌سازد تا به تحقق برسد. عنصر فعال‌ساز می‌تواند هم‌زیستی و هم‌اجتماعی و یا یک رخداد باشد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بین احساس عاشقانه و کنش عاشقانه تفاوت وجود دارد هر چند که هر دو تحت تأثیر تخیل عاشقانه هستند. با توجه به این که انسان‌ها در طول حیات خود چندین بار عاشق می‌شوند در هر دوره سنی عناصر به وجود آورنده احساس عاشقانه در آنها یکسان نبوده و کنش‌های عاشقانه‌هایشان نیز با یکدیگر متفاوت است. بر این مبنا کنش‌های عاشقانه تحت تأثیر نیازهای رشدی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر است.

22 Ulrich Beck

23 Zygmunt Bauman

18 Grounded Theory

19 Nicola Montagna

20 Niklas Luhmann

21 Anthony Giddens

آن را تحلیل کرده‌اند. مونتانا در این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه عشق به‌طور قانع‌کننده‌ای به دور از اینکه صرفاً یک احساس خصوصی و شخصی باشد، مقوله‌ای سیاسی است. زیرا شامل چندین بعد از زندگی عمومی و مرتبط با رفاه مردم است. در حقیقت شاید به نوعی بتوان این مقاله را در جهان جزء اولین پژوهش‌های جدی دانست که عشق اجتماعی را در فضایی وری روابط زن و مرد و حیطه خصوصی مطرح می‌کند.

۲- استلین روسو^{۲۴} (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان "نظری‌های عشق در تفکر جامعه‌شناختی، از اثرگذاری کلاسیک تا دسترسی به ساختار جامعه‌شناسی عشق" به بررسی نقش جامعه‌شناسان در شکل‌دهی و معنادهی عشق در جامعه‌شناسی می‌پردازند. او معتقد است عشق به‌شدت هم در روابط فردی و هم در روابط اجتماعی افراد مؤثر است و به قول ویلیام گود^{۲۵} عشق نه تنها از لحاظ ذهنی و عاطفی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه از لحاظ ساختارهایی که در ارتباط و تعامل و ازدواج وجود دارد و همچنین بحث طبقه اجتماعی و ساختارهای فرهنگی در بحث عشق حائز اهمیت است. نویسنده در این مقاله به بررسی عشق از زوایای گوناگون می‌پردازد و معتقد است که وبر و پارسنز و سوروکین هر یک دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص عشق ارائه داده‌اند اما هر سه دارای نقاط مشترکی نیز هستند. هر سه براین باورند که عشق در جامعه اثرات اجتماعی و فرهنگی دارد به‌طوری که نمی‌شود آن‌را نادیده گرفت. وبر تلاش می‌کند که نشان دهد که قفس آهنین در دنیای جدید تا چه حد نظم بروکراتیک سردی را ایجاد کرده است به‌طوری که باعث اثر تقلیل‌گرایانه بر رشد خردگرایی شده است. او بر این باور است که عشق شهوانی راهی برای فرار جامعه‌ای است که به شدت غیرعقلانی شده است. سوروکین از تسلط فرهنگی مادی بر فرهنگ معنوی و ایده‌آل صحبت می‌کند و معتقد است تمدن غرب دچار یک بحران اخلاقی شده است. او

معتقد است راهکار مؤثر در این زمینه گسترش عشق‌های دوستان و مبتنی بر صمیمیت است که به نوعی می‌تواند دنیای جدید را ساماندهی کرده و راهی به سوی رستگاری برای ما ایجاد کند. پارسونز نیز از وضعیت عشق در نظام خانواده سخن می‌گوید و معتقد است انزوای ساختاری خانواده‌ی هسته‌ای در دوره مدرن از واحد خویشاوندی خود به نوعی موجب آزادسازی آن شده است، در واقع قدرت تصمیم‌گیری زن و شوهرها در خانواده بیشتر شده و نظام خویشاوندی بر اراده افراد کمتر تأثیرگذار است. نویسنده مقاله در یافته‌های خود تأکید می‌کند که تلاش جامعه‌شناسان این است که نشان دهند که عشق صرفاً یک موضوع روانشناسی نیست و اگر به آن از زاویه‌ی روانشناسی صرف و مطلق نگریسته شود، ما به نوعی دچار تقلیل‌گرایی می‌شویم. او در این مقاله دیدگاه‌های گیدنز و ایوانز را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که عشق ماهیتی چندجانبه دارد که ما باید آن‌را کشف کنیم. اگر عشق را عمیق درک کنیم می‌توانیم پیامدهای اجتماعی، سیاسی و عاطفی آن‌را نیز تحلیل و بررسی کنیم.

چارچوب نظری

در این تحقیق برای استوارسازی و مفهوم‌سازی دقیق تحقیق از دو نظریه سنخ آرمانی ماکس وبر و نظریه‌های عشق اجتماعی اریک فروم استفاده شده است. در سنخ آرمانی وبر نکته مهم این است که او تلاش می‌کند تا با پی‌ریزی با یک مدل سنخ‌سازی روند مناسبی را در تحقیق‌های علوم اجتماعی ایجاد نماید. انواع ایده‌آلهایی که در تحقیق ساخته می‌شود در حقیقت مفاهیمی هستند که بر اساس حقایق جمع‌آوری شده از میدان تحقیق و با دقت و تحلیل بر روی آنها می‌توان تحقیقات تجربی را به گونه‌ای فرمول‌بندی کرد. در واقع در این معنا ایده‌آل‌ها سازه‌ها یا مفاهیمی هستند که به عنوان ابزار یا متدی برای شناخت در درک و تحلیل ما از مشکلات اجتماعی استفاده می‌شوند. بر اساس رهیافت وبر

همان طور که یک مدل ایده‌آل توسط دانشمندان علوم طبیعی به عنوان ابزار یا وسیله‌ای برای شناخت طبیعت به کار گرفته می‌شود، دانشمند علوم اجتماعی نیز با ایده‌آل‌ها و سنخ‌ها می‌تواند به عنوان ابزاری برای نظام‌مند کردن و درک واقعیت ایجاد کند که محقق و دیگران بتوانند واقعیت را با آن بسنجند. در واقع این به نوعی به ما کمک می‌کند که فهم بهتری از واقعیت اجتماعی پیدا کنیم. به تعبیر دیگر سنخ‌های آرمانی به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری عمل می‌کنند و همچنین آنها می‌توانند فرضیه‌هایی را در راستای یک سوژه به ما القاء کنند (وان ریل ۶، ۲۰۲۲). نکته مهم در نظریه وبر این است که او معتقد است ایده‌آل‌سازی‌ها الزاماً به معنای اندازه‌گیری واقعیت نیست بلکه هدف از آنها کمک کردن به این است که ما بتوانیم موقعیت تجربی را بهتر بشناسیم و در حقیقت نوعی هدایت و ساختار تحقیقات تطبیقی برای فهم بهتر کنشگران اجتماعی است. به عقیده وبر علم جامعه‌شناسی را می‌توان بر اساس مفهوم‌سازی و سنخ‌سازی توسعه داد. وبر بر این باور است که جامعه‌شناسی با کنش اجتماعی و رفتارهای اجتماعی سروکار دارد و هر کنش اجتماعی نوعی سنخ‌سازی در حوزه کنشی است که در ما شکل می‌گیرد. بنابراین هدف تحقیق این است که با مقوله‌هایی که از تحقیق به دست می‌آید نوعی سنخ‌سازی در حوزه جامعه عشق محور صورت گیرد. این تلاش در واقع به نوعی نشان می‌دهد که آن چه که در ذهنیت و باور کنشگران درباره عشق اجتماعی وجود دارد تا چه حد می‌تواند سنخی از عشق را در راستای توسعه کشور محقق سازد. بخش دوم و اساس بنیاد این تحقیق بر اساس نظریات اریک فروم به رشته تحریر درآمده است. وبر تأکید می‌کند که عشق یک تصمیم است، یک کنش است که اگر عشق فقط یک احساس بود، هیچ زمانی مبنایی برای دوست داشتن دیگران وجود نداشت. به طوری که به صورت یک احساس به سادگی درمی‌آید و ممکن است روزی برود. فروم در دیدگاه خود عشق و رابطه آن را با نظام اجتماعی بیان می‌کند و بر این

باور است کسی که کاملاً از خودبیگانه نشده است، یعنی هنوز قادر به احساس کردن است. یعنی او احساس خود را هنوز از دست نداده و هنوز به یک فرو شده تبدیل نشده، و هنوز می‌تواند از رنج دیگران رنج بکشد. کسی که نتواند از رنج دیگران رنج بکشد، از حالت وجودی انسانی خود خارج شده است. فروم بر این باور است که هر انسانی اگر بتواند درد و رنج دیگران را احساس کند، او در یک وضعیت متفاوتی قرار می‌گیرد (فروم، ۱۳۹۷). فروم تأکید می‌کند که شرط اصلی دستیابی به عشق غلبه بر خودشیفتگی است. خودشیفتگی چیزی است که در درون هر انسانی می‌تواند وجود داشته باشد و می‌تواند برای ما مسأله‌ساز باشد. از نظر فروم خودشیفتگی می‌تواند یک عارضه خطرناک باشد و او بر این اعتقاد است که قطب مخالف خودشیفتگی عینیت است. توانایی که ما بتوانیم افراد و اشیاء دیگر را آن طور که هستند، عینی بینیم و بتوانیم تصویری را که توسط امیال و ترس‌های فرد شکل می‌گیرد، جدا کنیم (ارفعیان، ۱۳۷۱). اما در مجموع آن چه که فروم می‌گوید مبانی کلی بافت شکل‌دهی یک جامعه عشق محور را به خوبی در خود دارد و نشان می‌دهد. جامعه‌ای که در آن پذیرش خود و کنشگری فعال دو عنصر مهم در ساخت این جامعه به حساب می‌آیند. در مجموع در این تحقیق تلاش شده تا با توجه به این دو دیدگاه رهیافت اصلی شیوه‌های برساخت یک جامعه عشق محور را طراحی و الگوسازی نماید.

سوالات پژوهش

۱- جامعه عشق محور چگونه جامعه‌ای است؟

۲- ویژگی‌های آن چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی به حساب می‌آید. برای گردآوری اطلاعات در این تحقیق در فاز اول از منابع کتاب‌خوانی و مقالات منتشر شده، در مجلات معتبر علمی استفاده شده است. در فاز دوم این پژوهش با استفاده از روش گراندد تئوری (نظریه زمینه‌ای) و فرود به زمین به

۲- مراجعه رفت و برگشتی به محققان در راستای لایه برداری موضوع و درک عمیق تر آن.

۳- پیاده سازی گفتگوها و کدگذاری در سه مرحله.

۴- تبیین موضوع بر اساس چرخش دیالکتیکی و استقرایی مقوله ها و تولید نظریه در این خصوص (توجه به روش گراند تئوری و فرود به زمین).

مفاهیم

با توجه به اینکه این تحقیق با استفاده از روش طبیعت گرایانه و فرود به زمین بلومر انجام شده است، مفاهیم در دو قالب معین و حساس شکل گرفته است. مفاهیم معین عبارت است از تعاریف روشن، ثابت و ایستایی هستند که یکبار ساخته شده و در ادامه راه مطالعه و بررسی عینی از جامعه سایه غلیظ بر واقعیت انداخته که بهنوعی این مفاهیم واقعیت را کنترل میکنند. اما مفاهیم حساس مفاهیمی است که در مطالعه نزدیک و مستقیم از واقعیت مشاهده کننده را متوجه خود می کند. در واقع این واقعیت و مسئله مورد بحث است که خود را به پژوهشگر در تحقیق می شناساند (تنهایی، ۱۳۷۸). در این جا مفاهیم اصلی این تحقیق که مبنای کار است ارائه می شود.

عشق: کنشی معنادار در راستای توسعه و ایجاد مطلوبیت برای خود و یا دیگری (ناظری، ۱۳۹۹).

کنش متقابل اجتماعی: عبارت است از فرایندی که انسان در آن به مدد قوه تفسیر، رفتار و سلوک خویش را در برابر دیگران شکل میدهد و/یا سلوک خود را در برابر دیگران و یا موقعیت اجتماعی میسازد. بنابراین کنش متقابل نمادی عبارت است از فرایندی که هر فرد در آن با آگاهی و تفسیرگری دخالت کرده و با توجه به کنش دیگران و تفسیر خویش، کنش خویش را آگاهانه می سازد (تنهایی، ۱۳۷۶). دیالکتیک: راهی است که به وسیله انسان کنشگر انتخاب شده است تا تمامیت های در حال تغییر واقعی را ادراک کند. تمامیت هایی که مستقیم و غیرمستقیم نشان دهنده اثرات او است (تنهایی، ۱۳۹۱).

جمع آوری اطلاعات و دیدگاه سنجی از روشنفکران و متخصصین عشق در حوزه های گوناگون پرداخته است. در دیدگاه گراند تئوری محقق می تواند به شناخت منظم دیدگاه های افراد مختلف در موقعیت های خاص پردازد (استروس و کرین، ۱۳۹۲). همچنین در نگاه فرود به زمین هدف درک عمقی موضوع از زاویه کنشگران به طور بی پرده و بی واسطه است (تنهایی و همکاران، ۱۳۹۵). که هر دو روش مبنای اصلی شکل دهنده این تحقیق است. هدف این پژوهش بر اساس روش تحلیلی- تبیینی و در خدمت یک نظریه بنیادی به حساب می آید که به کارکردهای اجتماعی- فرهنگی عشق می پردازد. جامعه مورد مطالعه تهران است و نمونه ها از کنشگرانی انتخاب شده است که در شهر تهران زیست می کنند و نگاه های خاص به عشق دارند. روش نمونه گیری در این تحقیق نمونه گیری نظری هدفمند است. که البته محقق با علم بر اینکه در روش های گراند تئوری و فرود به زمین توان اثرگذاری محاسباتی و ریاضیاتی وجود ندارد. لذا اتکا در مراجعه به نمونه ها بر اساس رسیدن به مفهوم رایج اشباع شدگی در اینجا قابل اجرا نیست، لذا از ایده «قدرت اطلاعات» استفاده نموده که نشان می دهد تعداد پاسخ دهندگان مورد نیاز بر اساس هدف سوژه مورد مطالعه، تعیین می شود. یعنی سوژه بردار اصلی حرکت در انتخاب نمونه ها و ادامه کار به حساب می آید. (آیلین بارت، ۲۰۱۸). برای انجام تحقیق به بیست نفر از متخصصین عشق که با نگاه فرانکر به این موضوع نگریسته اند، توجه شده است. این تحقیق در ایران در بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ انجام شده و تلاش شده تا با نگاه اجتماعی به عشق صورت پذیرد. در این روش محقق با مصاحبه عمقی نظرات افراد را جمع آوری کرده و در فازهای بعدی برای آن ها مقوله سازی انجام داده است. روش کلی کار را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- انتخاب وسواس گونه کنشگرانی که الزاماً عشق را در رابطه فردی افراد اولویت ندانند.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با بیست نفر از افرادی که در زمینه عشق تحقیق کرده‌اند، مصاحبه‌های عمقی انجام شده است. لازم به ذکر است که نمونه‌ها دوازده زن و هشت مرد را شامل می‌شود. میانگین سنی افراد که با آنها مصاحبه شده است از ۳۵ سال تا ۷۷ سال دیده می‌شود. البته لازم به توضیح است که مبانی انتخاب با سنجش سن هیچ ارتباطی ندارد. نکته مهم دیگر این که نمونه‌ها صرفاً جامعه‌شناس نبوده و با هدف نگاه بین رشته‌ای در فهم عشق انتخاب شده‌اند. جدول شماره دو ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد:

جامعه‌شناسی تفسیری: چشم‌اندازی است در برابر پارادایم مکتبی عواملی یا متغیرگرایی و به تعبیری نیز در برگیرنده برخی از ویژگیهای تحلیلی و فرامکتبی آن اندیشمندانی که در این پارادایم مکتبی ظهور کردند (تنهایی، ۱۳۹۱). در اینجا لازم است به این موضوع توجه شود که این مقاله با رویکردی دیالکتیکی، کنش متقابل نمادین بر اساس رهیافت میدو بلومر و تبیین فرامکتبی مبتنی بر جامعه‌شناسی تفسیری انجام شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	نام	سن	تحصیلات	شغل و تخصص
۱	شهلا	۶۷	دکترای روانشناسی اجتماعی	مشاور و مدیر روزنامه و عضو کارگروه عشق خلاق
۲	بهروز	۶۷	فوق‌لیسانس مدیریت	محقق در زمینه عشق و عضو کارگروه عشق خلاق
۳	علی‌اصغر	۶۶	دکترای روانشناسی	مشاور
۴	امیر	۳۷	دکترای جامعه‌شناسی	مدرس دانشگاه و عضو کارگروه عشق خلاق
۵	ابراهیم	۳۵	فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی	محقق عشق و عضو کارگروه عشق خلاق
۶	محمد	۶۷	دکترای جامعه‌شناسی	استاد دانشگاه و عضو کارگروه عشق خلاق
۷	سروناز	۴۴	فوق‌لیسانس علوم اجتماعی	روزنامه‌نگار و مدیر هفته‌نامه
۸	علی‌اکبر	۷۷	دکترای مدیریت	مدیر روزنامه
۹	الناز	۴۱	فوق‌لیسانس روانشناسی	مشاور و عضو گروه جامعه عشق محور
۱۰	ثریا	۵۹	پزشک متخصص آنکولوژی	پزشک متخصص و عضو گروه جامعه عشق محور
۱۱	مهرناز	۴۹	فوق‌لیسانس صنایع	برنامه‌ریز کامپیوتر
۱۲	حمیرا	۵۶	دکترای جامعه‌شناسی	محقق عشق و عضو کارگروه عشق خلاق
۱۳	نرگس	۵۶	دکترای جامعه‌شناسی	محقق عشق و عضو کارگروه عشق
۱۴	مرضیه	۴۱	دکترای جامعه‌شناسی	محقق عشق و عضو کارگروه عشق
۱۵	شهرام	۵۲	مهندس مکانیک و نقاش	هنرمند و گرافیسیت
۱۶	مهسا	۳۶	فوق‌لیسانس مدیریت شهری	محقق عشق و عضو کارگروه عشق خلاق
۱۷	میترا	۳۶	فوق‌لیسانس معماری	کارمند شهرداری و عضو کارگروه عشق خلاق
۱۸	مارال	۳۷	فوق‌لیسانس مدیریت آموزشی	نویسنده کتاب درباره عشق
۱۹	صفورا	۴۱	فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی	عضو کارگروه عشق خلاق
۲۰	ایرج	۵۹	دکترای جامعه‌شناسی	استاد دانشگاه و عضو کارگروه عشق خلاق

عشق به مثابه یک سرمایه اجتماعی و فرهنگی باید در نظر داشت که در این تحقیق، در گفتگویی که با محققان و روشنفکران صورت گرفت، هر یک از زوایای اجتماعی و فرهنگی به عشق نگاه کردند. در حقیقت آن چه که آنها بر آن تأکید می کردند توجه به مقوله عشق به مثابه ضرورت یک گفتمان اثرگذار فکری است. در گفتمان عشق در اینجا مقصود ایجاد شرایطی است که در آن انسان‌ها بتوانند با یکدیگر ارتباطات اجتماعی ژرفانگر و مستقیمی را ایجاد نمایند. آن چه که در این مسیر دیده شد، تحقق یک الگو در حوزه سرمایه اجتماعی و فرهنگی با نگاه بالادستی به عشق است که می توان آن را دارای مؤلفه‌هایی به صورت زیر مدنظر قرار داد.

در این زمینه کد شماره یک معتقد است: «جامعه یک سرمایه است. و عشق‌ورزی را باید یک خصیصه فرهنگی مؤثر در آن دانست. در حقیقت وقتی از عشق سخن می گویم نه به مثابه تعامل دو نفر بلکه به مثابه یک رویه فکری که انسان‌ها در ارتباط با دیگران باید آن را مدنظر قرار دهند. در حقیقت در اینجا مسأله توجه داشتن به دیگران و آنها را به خود ترجیح دادن حائز اهمیت می شود.» این تأکید در بسیاری از این گفتگوها تکرار شد. کد شماره دو می گوید: «اگر ما به مرحله ای برسیم که بتوانیم از خانواده

خود عبور کنیم و همه آن چه را که برای خانواده خود می خواهیم، برای دیگران هم بخواهیم، در آن صورت یک سرمایه عظیم فرهنگی و عاطفی در جامعه شکل می گیرد.» این رهیافت عبور از عشق‌های خانوادگی به سوی عشق‌های اجتماعی را مد نظر دارد. کد شماره هفت بر این باور است: «تحول در جامعه زمانی اتفاق می افتد که عشق بتواند بر ساخت عمیقی در جامعه داشته باشد. عشق از این منظر که می تواند انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک نماید. اگر ما بتوانیم همدیگر را دوست داشته باشیم در آن صورت در جامعه یک تحول عاطفی و ارتباطی عمیق پدید می آید. در حقیقت انسان‌ها می توانند یکدیگر را بیشتر درک کنند و با قرار دادن خود به جای دیگران انتخاب‌های بهتر و بهینه تر داشته باشند.» در اینجا باید در نظر داشت که عشق در شکل پویای آن مدنظر قرار دارد. کد شماره سیزده بر این باور است: «زبان عشق زبان ایستایی و توقف و سکون نیست. ما می توانیم عشق را به مثابه یک فرصت در جامعه به حساب آوریم. در حقیقت در اینجا عشق به ما کمک می کند تا همدیگر را بیشتر درک کنیم و در یک هم‌فهمی و تفاهم عمیق تر راهی برای بهینه سازی فکر، اندیشه و ادراک تعاملی ارتباطی بیابیم.»

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
-عشق در جامعه یک سرمایه است		
-عشق‌ورزی یک خصیصه فرهنگی مهم در جامعه است	عشق به مثابه یک سرمایه	عشق به مثابه سرمایه فرهنگی
-عشق می تواند بر ساخت شرایط متفاوت باشد.	عشق بر سر تحول	
-زبان عشق، زبان ایستایی و توقف و سکون نیست	عشق و پویایی	

باید در اینجا در نظر داشت نوعی گفتگوی خاص مدنظر است که می تواند بر ساخت یک جامعه مدنی مبتنی بر عشق باشد. کد شماره هفده می گوید: «گاهی اوقات در یک گفتگو هدف این است که طرفین بتوانند از شرایط به وجود

گفتگوی مدنی زیر ساخت جامعه عشق محور یکی از موضوعات دیگر که کنشگران در این پژوهش بر آن تأکید کردند توجه به مقوله گفتگو است. گفتگو از نظر صاحب‌شوندگان اشکال گوناگونی را شامل می شود، که

آمده سهم مساوی را داشته باشند. در حقیقت وقتی که دو طرف یک معامله به سود همدیگر فکر می‌کنند و قرار بر این است که هر یک از آنها سودی مشابه طرف مقابل را به دست بیاورد در آن صورت این گفتگو در یک فضای مناسب از "هزینه - فایده" شکل می‌گیرد. در حقیقت در اینجا هدف رسیدن به یک نتیجه "برد- برد" است. اولویت بخشی به بازی برد - برد در نگاه اکثر مصاحبه‌شوندگان مد نظر قرار گرفت. کد شماره هجده نیز هم نظر با کد شماره هفده بر این باور است که «گاهی اوقات گفتگو می‌تواند جنبه‌های مساوات جویانه‌ای را داشته باشد که در جامعه عشق محور این مدل گفتگو می‌تواند مدنظر قرار گیرد.» اما واقعیت این است که ما به گفتگوهای فراتر از این نیز نیاز داریم که باید به آن توجه شود. گفتگوهایی که در آن شاید طرف اول به اندازه طرف دوم سود نبرده اما از وضعیت خود احساس رضایت دارد که در حقیقت این نوع گفتگو، گفتگویی است که در جامعه عشق محور ملاک اصلی است. در حقیقت در این مدل گفتگو هدف این است که فرد بتواند همه تلاش خود را بکند تا سود بیشتری به طرف مقابل برسد. در اینجا در واقع گفتگو خارج از درگیری و تنش است و آن چه که توسط طرفین به دست می‌آید نوعی آگاهی و رضایت در انتخابی ایثارگرانه است و هر یک شاید به گونه‌ای تلاش می‌کنند تا دیگری سود بیشتری ببرد. این "رقابت به نفع دیگری" موضوعی است که در جوامع بشری امروز کمتر دیده می‌شود. کد شماره سیزده می‌گوید: «اگر چه در منطق گفتگو برابری و سهم بردن همه طرفین مدنظر است، اما ما بعضی اوقات می‌بینیم که گفتگوها به مثابه رقابت است که طرف اول می‌خواهد طرف مقابل را سرکوب نماید. در چنین شرایط گفتگو تبدیل به نوعی ساحت بازی غلبه بر طرف مقابل می‌شود که بازی برد -

باخت به حساب می‌آید.» این سبک گفتگو از نظر مصاحبه‌شوندگان نوعی رقابت را بازتولید می‌کند. کد شماره بیست می‌گوید: «وقتی از گفتگوی مدنی صحبت می‌کنیم نشان‌دهنده این است که ما برای دیگران ارزش و احترام قائل هستیم و این ارزش و احترام به این معناست که قرار است در این کنش طرف مقابل ما احساس مناسبی از زندگی با ما داشته باشد. گفتگو در اینجا به معنای تمایلی شجاعانه به دانستن و کمک کردن به طرف مقابل است. در حقیقت در یک جامعه‌ای که بر پایه عشق اجتماعی و فرهنگی بنا می‌شود پایه اصلی آن ایجاد شرایط گفتگوهای مدنی است. در حقیقت فضاهای اجتماعی در جامعه باید به گونه‌ای طراحی شود که فضای رقابتی در آن کمتر دیده شود. کد شماره سیزده می‌گوید: «یکی از مشکلاتی که گفتگو را در جامعه ما دچار مشکل می‌کند، اتومبیل سواری است. اگر بتوان دوچرخه سواری را در شهرها تقویت کنیم شاید بتوان به مقوله گفتگو بهینه دست پیدا کنیم.» همه این‌ها نشان می‌دهد مقصود مصاحبه‌شونده‌ها از گفتگو حرکت از بافت رقابت به سوی بافت همکاری است. کد شماره ده می‌گوید: «من فکر می‌کنم که ما باید در زمینه ورزش‌های مورد استقبال جمعی نیز نوعی تجدیدنظر داشته باشیم. در حال حاضر در نظام سرمایه‌داری بازی اول فوتبال است. فوتبال یک بازی صددرد رقابتی و ستیزه‌جویانه است که در پی آن منابع اقتصادی فراوانی به اقلیت‌ها می‌رسد. اما در ورزش‌هایی مثل کوهنوردی که نوعی هم‌گرایی دیده می‌شود می‌توان آن را ورزش مخصوص جامعه مدنی محسوب کرد. در حقیقت در کوه همه با هم گفتگو می‌کنند و این مدل و سبک گفتگو کردن نوعی نفی همگان را در خود به همراه خواهد داشت.»

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
- گفتگو شیوه‌های مختلفی دارد		
- گفتگو گاهی اوقات به شکل رقابتی است.		
- گفتگو گاهی اوقات به شکل بازی برد-برد است.	اشکال گوناگون گفتگو	گفتگوی دگرخواه، زمینه ساز
- گفتگو گاهی اوقات به گونه‌ای است که طرف اول به سود طرف مقابل توجه می‌کند.		جامعه عشق محور

می‌گوید: «در جامعه ایران اگر کودکی توسط پدر یا مادر خود تهدید یا با شکنجه روبرو شود به سادگی امکان اثبات آن وجود ندارد. چه بسا که این بچه به شیوه‌ای با مقوله مرگ مواجه شود. اما در کشورهای پیشرفته به محض آن که کودکی با تهدید مواجه شود، نهادهای مدنی، اجتماعی و دولتی در برابر آن می‌ایستند. همه اینها به این دلیل است که به نوعی ثابت شود که هیچ‌کس نباید احساس تنهایی کند و یا از دیگران بترسد. این موضوع مهم است که جامعه‌ای که می‌خواهد بر ساختی از عشق داشته باشد باید زمینه ساز گفتمان‌های اعتماد بین طرفین درگیر کنشگری باشد. در واقع وقتی که اعتماد وجود دارد به تعبیر کد شماره یک «قدرت پیش بینی در جامعه بالا می‌رود.» یعنی ما می‌توانیم بفهمیم که در صورت یک کنش چه مخاطرات و یا چه سرنوشتی پیش روی ما است. اما اگر نتوانیم آینده رفتارهای خود را پیش بینی کنیم این انباشت خطر می‌تواند جامعه را با بحران مواجه سازد. بر این اساس در سنخ جامعه عشق محور باید بر روی شیوه‌های عبور از خطر و قدرت بخشی به اعتماد توجه شود. قدرت یک مقوله معرفی است که می‌تواند به مثابه یک سرمایه در جامعه وجود داشته باشد و نقش فراگیر خود را ایفاء نماید.

خطر، ریسک و بسترهای اعتمادسازی برای عبور از آن آن‌چه که در این مصاحبه‌ها به نوعی به شکل برجسته‌ای خود را نشان داد توجه به مقوله خطر و تولید بحران‌ها در نظام سرمایه‌داری فعلی است. در حقیقت انسان‌ها با خطرها و ریسک‌های متعددی روبرو هستند. خطرهایی که هر روز ممکن است جان و مال آنها را با تهدید مواجه سازد. به عنوان مثال پدیده‌ای مثل کرونا توانست بر زندگی بسیاری از مردم تأثیرات بسیار فراگیری را بگذارد به گونه‌ای که نزدیک شدن به یکدیگر یک تهدید به حساب می‌آمد. حتی در خصوص حضور در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند باعث ایجاد روابط خطر ساز مبنی بر تجاوز به حوزه خصوصی افراد شود. بر همین اساس به گفته کد شماره نه «اگر قرار است یک جامعه با سنخ عشق ساخته شود باید در آن به مقوله خطر و شیوه‌های مواجه با آن توجه شود. در اینجا است که مفهوم اعتماد مطرح می‌شود. در حقیقت آن‌چه که ما را در برابر خطر قرار می‌دهد، مقوله اعتماد است. اعتماد مقوله‌ای است که یک انسان عشق ورز باید بتواند آن را ارائه دهد. در واقع هر کس باید در راستای ایجاد اعتماد تلاش کند. حتی در یک جامعه عشق محور عدالت به اشکال گوناگون توسط دولت جدی گرفته می‌شود، و نهادهای قانونی تلاش می‌کنند بر ساختی از اعتماد در جامعه را داشته باشند. کد شماره هفده

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
اعتماد قدرت پیش‌بینی در جامعه را بالا می‌برد	اعتماد قدرت پیش‌بینی در جامعه را بالا می‌برد	
عدم اعتماد خطر و ریسک را افزایش می‌دهد	کنترل ریسک و افزایش اعتمادسازی	خطر، ریسک و بسترهای اعتمادسازی
در یک جامعه مدنی اعتماد وجود دارد		

روند دیالکتیک بین صلح فردی و صلح اجتماعی یکی از موضوعات مهم دیگری که در گفتگو با محققین عشق اجتماعی مطرح شد، توجه به مقوله صلح بود. در حقیقت در جوامع بشری امروز که خشونت به شیوه‌های گوناگون در حال بازتولید است، توجه به صلح موضوع مهمی است. نکته حائز اهمیت در گفتگو با کد شماره دوازده این است که «صلح باید یک پیوستار عمیقی بین فرد و جامعه ایجاد کند. در حقیقت باید فرد در وهله اول بتواند با خود به یک صلح درونی عمیق برسد تا بتواند در جامعه نیز این صلح را گسترش دهد». نکته حائز اهمیت یعنی توجه به کنشگری صلح در خود و کنشگری در جامعه موضوعی است که در عشق اجتماعی بسیار مدنظر قرار دارد. کد شماره هفت می‌گوید: «چالش مهمی که در انسان وجود دارد این است که در وجود هر فرد هم گرایش به خشونت و هم گرایش به صلح وجود دارد. اما این که کدامیک از آنها بالا بیاید مسأله‌ای است که باید به آن توجه شود. در واقع نکته بسیار مهم این است که در بسیاری از افراد در جامعه ایران امروز کنشگری خشونت بر کنشگر صلح اولویت دارد چرا که افراد در چنین شرایطی راحت به خواسته‌های خود می‌رسند. اما در یک جامعه عشق‌محور هدف این است که فرد بتواند به خواسته‌های خود در همگرایی با دیگران دست یابد. در حقیقت در اینجا فرد باید بتواند رفتار و کنشگری عاشقانه و

صلح آمیز را بر رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز اولویت دهد و بداند که در این صورت شاید به نتایج و امتیازهای بیشتری در جامعه دست خواهد یافت. در مجموع آنچه که به نظر می‌رسد و باید به آن توجه شود، پدیدار شدن صلح در یک وضعیت اجتماعی است. یعنی جامعه باید به سمتی پیش رود که دیالکتیک تقویت صلح نسبت به خشونت اولویت داشته باشد. نکته مهم دیگر این است که صلح نیاز به سازمان‌دهی دارد». این نکته‌ای است که در گفته‌های کد شماره یازده به چشم می‌خورد. او بر این باور است که «به قول ارسطو برنده شدن در جنگ کافی نیست، سازمان‌دهی صلح مهمتر است. برای رسیدن به سازمان‌دهی صلح باید بتوانیم آرامش را تقویت کنیم. آرامش از درون پدید می‌آید و به مرور در جامعه نیز گسترش می‌یابد. در حقیقت باید پذیریم که صلح جهانی بر مبنای آرامش درون و تقویت نگاه عاشقانه تقویت می‌شود. صلح فقط الزاماً به معنای این نیست که خشونت نباشد. صلح از زاویه دیگر تقویت گسترش عشق در انسان است. در حقیقت در اینجا خصیصه تقویت رابطه دیالکتیکی بین صلح فردی و صلح اجتماعی را می‌توان یکی از خصیصه‌های جامعه عشق‌محور دانست، بر این مبنای که در این جامعه شفقت انسانی و گسترش عشق عاملی است که هم خشونت را کنترل می‌کند و هم عاملی می‌شود که جامعه به سمت رفتارهای جایگزین پیش رود.

روند دیالکتیک بین صلح فردی و صلح اجتماعی یکی از موضوعات مهم دیگری که در گفتگو با محققین عشق اجتماعی مطرح شد، توجه به مقوله صلح بود. در حقیقت در جوامع بشری امروز که خشونت به شیوه‌های گوناگون در حال بازتولید است، توجه به صلح موضوع مهمی است. نکته حائز اهمیت در گفتگو با کد شماره دوازده این است که «صلح باید یک پیوستار عمیقی بین فرد و جامعه ایجاد کند. در حقیقت باید فرد در وهله اول بتواند با خود به یک صلح درونی عمیق برسد تا بتواند در جامعه نیز این صلح را گسترش دهد». نکته حائز اهمیت یعنی توجه به کنشگری صلح در خود و کنشگری در جامعه موضوعی است که در عشق اجتماعی بسیار مدنظر قرار دارد. کد شماره هفت می‌گوید: «چالش مهمی که در انسان وجود دارد این است که در وجود هر فرد هم گرایش به خشونت و هم گرایش به صلح وجود دارد. اما این که کدامیک از آنها بالا بیاید مسأله‌ای است که باید به آن توجه شود. در واقع نکته بسیار مهم این است که در بسیاری از افراد در جامعه ایران امروز کنشگری خشونت بر کنشگر صلح اولویت دارد چرا که افراد در چنین شرایطی راحت به خواسته‌های خود می‌رسند. اما در یک جامعه عشق‌محور هدف این است که فرد بتواند به خواسته‌های خود در همگرایی با دیگران دست یابد. در حقیقت در اینجا فرد باید بتواند رفتار و کنشگری عاشقانه و

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
-صلح درونی عامل انسانی شدن انسان است		
-صلح درونی و صلح اجتماعی به هم ارتباط دارند	صلح درونی و اجتماعی عامل تقویت عشق	دیالکتیک صلح درونی و صلح اجتماعی در بازتولید فهم عشق
-صلح مهمترین عنصر فهم است		

را در یک جامعه داشته باشیم اما مهم این است که این گروه‌ها ضمن پذیرش توافق‌هایی که با گروه‌های متجانس خود دارند، باید بپذیرند که با گروه‌هایی نیز در تضاد هستند. بنابراین تضاد و تجانس در کنار هم معنا دار است. لذا اگر بپذیریم که تضاد و تجانس در کنار هم وجود دارد، نوعی پیوند همگرایانه بین ما ایجاد می‌شود. این دیدگاه به خوبی نشان می‌دهد که: «جامعه باید در گستره همگرایی و ایجاد پیوندهای اتحادبخش حرکت کند. نکته مهمی که در بسیاری از سازمان‌ها در جامعه ایران دیده می‌شود این است که افراد اصولاً سازمان یا مجموعه تشکیلات خود را قبول دارند و با سازمان‌هایی که در اطراف آنها هستند، هماهنگی نشان نمی‌دهند. در اینجا مهم این است که عقلانیتی حاکم شود که میزان ارتباط را بین گروه‌های مخالف افزایش دهد».

پیوندهای اتحادبخش و عبور از فرقه‌گرایی یکی از عواملی که در جامعه تضادهای حل نشده را ایجاد می‌کند تقویت تضادهای مخرب است. در واقع وقتی که افراد در پی حذف همدیگر هستند و الگوی ذهنی آنها این است که هر مشروعیت از آن ماست، هیچ گونه تعامل و همکاری را در جامعه ایجاد نمی‌کند. این که جامعه باید بتواند به تقویت گروه‌های کنار هم توجه کند، حائز اهمیت است. در کشوری مثل ایران که فرقه‌های قومی و مذهبی بسیاری وجود دارد توجه به جنبه‌های ایجاد پیوندهای انسجام‌بخش حائز اهمیت است. در حقیقت در این مبحث، اخلاق عشق‌محور این است که همه اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌توانند در کنار هم بدون تعیین کردن عرصه، زندگی مناسبی داشته باشند. کد شماره دو بر این باور است که «ما می‌توانیم گروه‌های زیادی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
-پشتوانه یک جامعه تقویت گروه‌ها در کنار هم است		
-رقابت حذف کننده، جامعه را تضعیف می‌کند	ممارست در پذیرش اقلیت‌های مخالف دیدگاه ما	پیوندهای اتحادبخش و عبور از فرقه‌گرایی
-فرقه‌های قومی- مذهبی باید کنار هم ایستادن را تمرین کنند		

اراده معطوف به عشق

بدون شک یکی از مسائل مهم توجه به اراده و انتخاب است. اگر در نظر بگیریم که در کنشگری انتخاب و اراده انسان مهم است در اینجا نیز ساحت انتخاب حائز اهمیت است. کد شماره هیجده می‌گوید: «انسان‌ها انتخاب‌های متعدد و گسترده‌ای دارند. اما این که

ما بتوانیم الگوهای عشق‌محوری را در جامعه تقویت کنیم همه این‌ها می‌تواند مرجع مناسبی برای انتخاب‌های اصلح باشد». کد شماره سیزده می‌گوید: «آن‌چه که حائز اهمیت است تقویت اراده جمعی عشق‌محوری است. یعنی زمانی که افراد یک جامعه بتوانند تشخیص دهند که باید از خود گذشتن را به مثابه یک فرایند اخلاق جمعی در نظر گیرند. در اینجا است که انتخاب اراده جمعی جامعه با گذر کردن از خود معنادار می‌شود». کد شماره هفت می‌گوید: «در نظام سرمایه‌داری پول بر عشق حاکم است، اما در جامعه‌ای که عشق را گزیده اصلی می‌خواهد قرار دهد، انتخاب‌ها متفاوت خواهد شد و این اراده معطوف به عشق و اراده جمعی عشق‌محور می‌تواند تأثیرگذار باشد». نکته مهم در این مقوله این است که باید انتخاب جمعی یک جامعه در یک گستره مستقل از اراده فردی شکل گرفته و با مصادیق اخلاق عاشقانه تقویت شود. یعنی افراد آن جامعه بتوانند انتخاب‌های مبتنی بر عشق داشته و صورت‌بندی جدیدی را رقم زنند. در اینجا نشان می‌دهد که تا چه حد تقویت فرد در خدمت جامعه حائز اهمیت است، یعنی فرد باید بتواند انتخاب خود را در همساز با جامعه قرار دهد.

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
-انتخاب عاشقانه داشتن مهم است	اراده جمعی عشق محور	اراده معطوف به عشق
-انسان موجودی بااراده است		
-تقویت اراده جمعی در راستای عشق مهم است		
-اراده جمعی باید در خدمت عشق باشد نه ستیز		

شماره سیزده می‌گوید: «یک ضرب‌المثل آفریقایی است می‌گوید اگر می‌خواهید سریع بروید تنها بروید. اما اگر می‌خواهید دور بروید حتماً باید با هم بروید. این نکته بسیار مهم است». کد شماره نوزده می‌گوید: «در همکاری عشق محور هیچ سلسله مراتبی وجود ندارد. همه با هم کمک می‌کنند تا نتیجه مورد نیاز به دست بیاید. یک درخت با همکاری خاک و آب و خورشید به دست می‌آید بنابراین درخت در فرایند هم‌گرایی همه اجزای طبیعت پدید می‌آید. در یک جامعه عشق‌محور تخیل جمعی همه اجزاء و عوامل را در خدمت جامعه و توسعه آن به کار می‌گیرد. اگر بپذیریم که توسعه به مثابه تغییر در کلیت یک جامعه است، در جامعه عشق‌محور این تخیل جمعی باید تقویت شود. یعنی باید به بچه‌ها این موضوع آموزش داده شود».

تخیل جمعی عشق محور نکته بسیار مهم این است که باید بپذیریم که هیچ تغییری بدون همکاری و اجماع شکل نمی‌گیرد. در هر حال در جوامعی که اجماع پدید آمده این اجماع و همکاری وجود داشته است. اما برای آن‌که این همکاری شکل بگیرد بر اساس نگرش کد شماره هفت: «باید افراد قدرت تخیل کار گروهی را داشته باشند. این تخیل داشتن در جامعه‌شناسی امری شناخته شده است. یعنی در یک جامعه بدانند که نتیجه کار در عمل و بازدهی کار گروهی که به دست می‌آید، بسیار بیشتر است تا این‌که کاری را تک‌تک انجام دهند. ممکن است یک تیم در کنار همدیگر باشند، اما هر یک برای خود بازی کنند. اگر همه آنها ستاره‌های بی‌نظیر باشند اما وقتی نتوانند با هم کار کنند، نمی‌توانند به نتایج مطلوب برسند». کد

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
- تعهد فردی به یک تلاش گروهی موضوع بسیار مهمی است		
- برای این که کار تیمی شکل بگیرد افراد یک تیم باید بتوانند با هم بودن را در اول در ذهن و بعد در عمل تقویت کنند.	تخیل به مثابه‌ی امر اجتماعی	تخیل جمعی عشق محور
- آن چه که تفرقه را در جامعه کمرنگ می‌کند این که از جاه‌طلبی شخصی عبور کنیم و با هم بودن را در ذهن و عمل تقویت کنیم		
- نقطه قوت یک تیم این است که تک تک افراد در کنار هم می‌توانند انسجام داشته باشند.		

مراقبت، امر اجتماعی دگرشکوفایی	قرار گیرد. کد شماره سه می‌گوید: «مراقبت التیام‌بخش جامعه است. گویا وقتی جامعه‌ای دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شود وقتی که دیگران در کنار ما هستند این امر انسجام‌بخش و ثبات‌بخش به کمک ما می‌آید. در مجموع به نظر می‌رسد که مراقبت می‌تواند قدرت مدارا را در جامعه افزایش داده و باعث تقویت توانایی‌های دیگران می‌شود. این توانایی است که ما در دیگران ایجاد می‌کنیم و باعث گسترش رشد و پیشرفت آنها خواهیم شد.
نکته بسیار مهم مفهوم مراقبت است. مراقبت در قرن بیست و یک بسیار حائز اهمیت است. در یک جامعه عشق‌محور ضرورت از خودگذشتگی در برسازی مراقبت بسیار مهم است. کد شماره نه می‌گوید: «مراقبت یک مفهوم عمیق اجتماعی است و باید به آن توجه شود. مراقبت باعث می‌شود تا ما به رشد و بالندگی دیگران توجه کنیم. وقتی دیگران رشد می‌کنند ما نیز رشد خواهیم کرد.» در واقع در این مصاحبه‌ها تأکید بر آن است که فضای صرف زمان برای دیگران مدنظر	

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
- مراقبت از همدیگر شایستگی ایجاد می‌کند		
- مراقبت یعنی از خودگذشتگی را تقویت کنیم	مراقبت صرف کردن زمان	مراقبت، امر اجتماعی دگرشکوفایی
- مراقبت قدرت مسئولیت جمعی را در یک جامعه برای دیگران افزایش می‌دهد		

پارادایم گفتگو محوری در برابر مونولوگ محوری	جامعه عشق‌محور را پدید آورد. از یک طرف کنشگری عاشقانه در سطح عاملیت مطرح است که با درون‌سازی عشق امکان‌پذیر است. در واقع با درون‌سازی و پذیرش وجدانی عشق، ما می‌توانیم جامعه را به سمت عشق‌محوری
این تحقیق نشان می‌دهد که باید به روند دیالکتیکی بین عاملیت، ساختار و ذهنیت توجه شود. در واقع یک دیالکتیک سه وجهی و ترکیبی می‌تواند زمینه‌های شکل‌دهی	

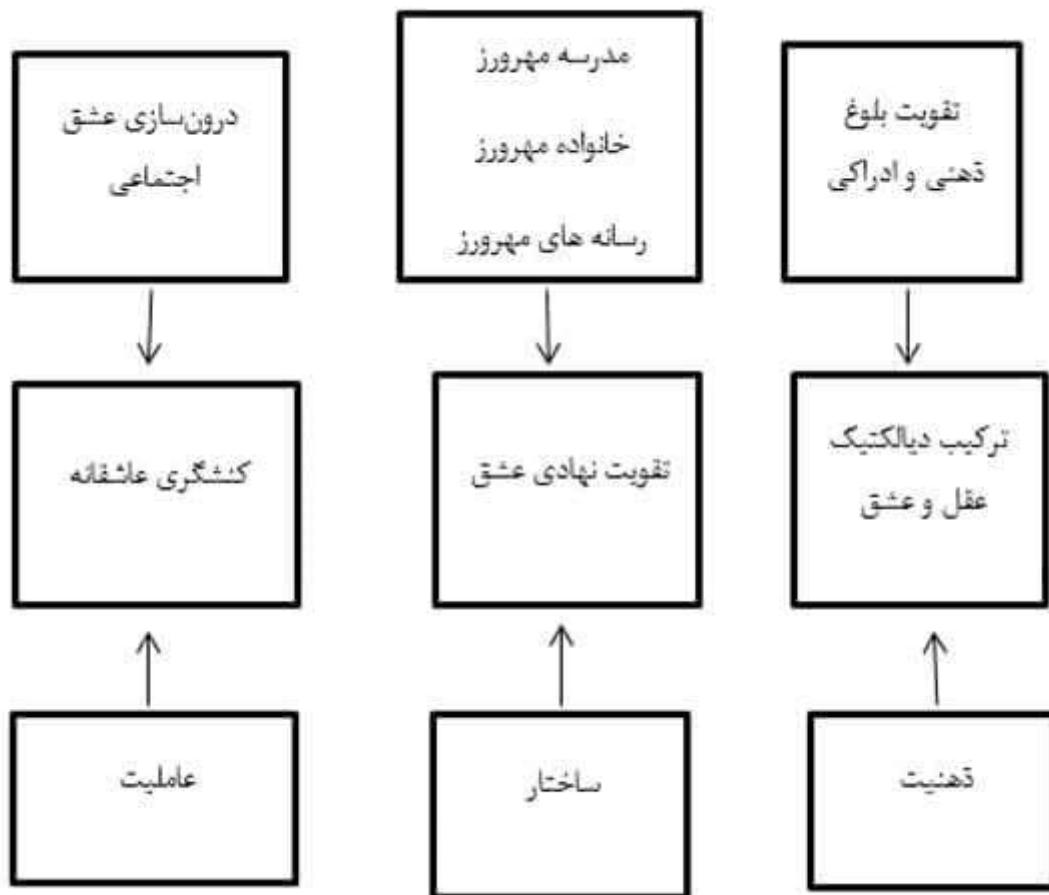
سوق دهیم. جامعه عشق محور جامعه‌ای است که فرد سازه‌های ذهنی گروهی را بر فردی ترجیح می‌دهد. در زمینه ساختاری تقویت، توجه به زمینه‌های نهادی مهم است. یعنی آموزش عشق محور چه در سطح مدرسه، چه در سطح خانواده و چه از طریق رسانه‌ها امکان‌پذیر است. در حوزه ذهنیت، توجه به تقویت دیالکتیک بین عقل و عشق موضوع بسیار مهمی است. این یعنی رسیدن به نوعی بلوغ ذهنی و ادراکی که افراد به جای خودمحوری و خودباوری به عشق توجه دارند. در حال حاضر در جامعه ایران توجه بیش از حد به خود نوعی خودشیفتگی و فردیت مخرب را ایجاد کرده است در حالی که در تقویت دگرخواهی ما می‌توانیم وارد مرحله سازندگی شویم. اما آن‌چه که این موضوع را تقویت می‌کند و به شکل پدیده اصلی در این گفتگوها خود را نشان می‌دهد مسئله گفتگو است. گفتگو محوری موضوع مهمی است که باید به آن توجه شود. گفتگوی جمعی می‌تواند یک جامعه را از خودشیفتگی نجات دهد. گفتگو در جامعه عشق محور، ملاک اصلی تحول در یک جامعه محسوب می‌شود.

در این مدل پارادایمی می‌توان از گفتگو یا ایجاد تعامل و ارتباط بین فاعلان یک رابطه و در برابر آن از مونولوگ به عنوان ارتباط یک سویه سخن به میان آورد. بر اساس رفت و برگشت‌هایی که در مصاحبه‌ها صورت گرفت، نتایج نشان می‌دهد که نخبگان بر گفتگو محوری در عشق تأکید دارند. در واقع تجربه بشری نشان می‌دهد که سنتز خودشکوفایی و توسعه انسانی، در غلبه و اولویت بخشی فرهنگ گفتگو خود را نشان می‌دهد. در اینجا لازم است توجه شود، مقصود این است که فرد عاشق سخنی را نمی‌گوید تا جوابی را بشنود. بلکه بیشتر تلاش می‌کند، شنونده باشد تا گوینده. البته در مورد انسان عشق ورز ممکن است کلامی گفته شود که این کلام باید در خدمت همه طرف‌های درگیر یک معامله باشد. در اینجا مقصود از گفتگو صرفاً گفتن و شنیدن نیست بلکه مقصود تک‌صدایی نبودن و چندصدایی بودن است. در این که تا چه حد بین طرف‌های درگیر مشارکت منافع

صورت می‌گیرد، خود موضوع مهمی است. در جامعه عشق محور نظام اجتماعی بر اساس گفتگوی همه طرف‌های درگیر پیش می‌رود. در واقع همه در مسائل مختلف مشارکت می‌کنند تا سطح بهره‌وری و راندمان کار بالاتر رود. بر این مبنا گفتگو می‌تواند موقعیت‌های فکری، سنی، جنسی را تقلیل داده و یک شرایط برابر را برای رودررو شدن فراهم آورد. اما در فضای مونولوگ محوری، گفتمان، گفتمان خشونت‌بار و مبتنی بر جبر و زور و ساختارهای هژمونیک است. در اینجا فرد و فردیت اهمیتی نداشته و ستیز بر سر غلبه بیشتر بر پایین‌دستی‌ها است. گفتگو در عشق یک صورت‌بندی جدید ایجاد می‌کند به گونه‌ای که می‌توان گفت هیچ چیز مانند عشق وجود ندارد. فقط عشق می‌تواند به اثبات عشق کمک کند و اثبات دوست داشتن کسی بدین معناست که وقتی او را دوست داریم به او اجازه می‌دهیم که آزادانه زندگی کند. ما به حرف‌های او گوش می‌دهیم، ما آمده‌ایم که او را دوست داشته باشیم بدون آن که انتظار عملی یا گفتاری از او داشته باشیم. در اینجا فضای چندصدایی و شنیدن صدای غیر، هدف اصلی است. فهم گفتگو کار بسیار دشواری است. اما اگر بتوان فرهنگ چندصدایی را تقویت کرد همه زوایای دید مختلف در کنار هم قرار می‌گیرد. مصاحبه‌ها نشان داد که گفتگوی عاشقانه شامل: رویکردهای ارتباطی است که شامل ریسک (تمایل به تعامل کردن به دیگران و تغییر کردن)، اعتماد (انصاف و گشودگی)، نزدیکی (ارتباط خودانگیزته، صادقانه و رودرو)، ارتباط دوجانبه (شناخت اهداف و علائق مشترک)، و تعهد (به گفتگوی اخلاقی) می‌شود. لذا گفتگوی عاشقانه یک گفتگوی مدنی است که در آن فرستنده و گیرنده پیام در یک رابطه متقابل به دانایی، گسترش افق‌های فکری یکدیگر، درک بهتر و بالاتر از مسائل مختلف خواهند رسید. این در مقابل فضا و جامعه تک‌صدایی است که اطاعت محض در آن حاکم است. نتیجه غلبه گفتگو سه وجه را شامل می‌شود: گفتگو به باورها و سلائق مختلف اجازه بروز و ظهور می‌دهد. ۲- گفتگو به رشد خلاق و نظام

دگرمداری، آزادی، آزادی عاشق دیگر مدنظر قرار گیرد. کنش متقابل نیز در اینجا کنش مبتنی بر دیالوگ، کنش های رفت و برگشتی، کنش های مبتنی بر چرخه اطلاعات خواهد بود. اما در جامعه مونولوگ محور صداها مبتنی بر کیش شخصیت شکل می گیرد، که اشکال کنشی آنرا می توان در قالب کنش های خودشیفته، کنش های دیکتاتور مآبانه و کنش های تک صدایی نام برد. در ادامه مدل پارادایمی این بخش به نمایش گذاشته خواهد شد.

ارزش های انسانی اولویت می دهد. ۳- گفتگو به افراد یاد می دهد که بتواند با یکدیگر مخالف باشند، ولی همراه هم باشند. در واقع افراد در گفتگو، نظرات خود را می گویند بدون آنکه الزاماً قرار باشد حرف همدیگر را بپذیرند. اما در پایان همه طرف های درگیر در وضعیت بهتری قرار می گیرند. انگیزه های حساس در این بخش نشان می دهد که کیفیت تعامل و ارتباطات، گفتگو به مثابه خلاقیت، موضوع بسیار مهمی است. شرایط مداخله گر می تواند شامل: رشد فردیت، کنش های آگاهی بخش، توانمندسازی یک جامعه،



شود. با توجه به اینکه در زمینه عشق از زوایای فلسفی، تاریخی، اسطوره ای، روانشناسی، عرفانی، بسیار سخن به میان آمده نشانه آن است که همواره دغدغه و علاقه برای فهم این سوژه وجود داشته است. اما در زمینه نگاه جامعه شناسی و رهیافت های معرفت شناختی همچنان این

نتیجه گیری

این تحقیق نشان داد که بررسی عشق علی رغم سابقه و تجربیات تاریخی فراوان همچنان می تواند محل بحث و تعامل و گفتگو باشد. از این منظر در واقع شکل گیری و شکل بندی عشق در قالبی جدید می تواند مسئله مهم تلقی

۶- در این تحقیق مشخص شد که مصادیقی مثل دوستی، مهرورزی، پیوستگی، همکاری بسیار مهم است و می‌تواند جزو جنبه‌های نوینی از اندیشیدن انسان هزاره سوم تلقی شود.

۷- در این تحقیق مشخص شد که ریسک و خطر در جامعه وجود دارد که با سرمایه گذاری معنوی بر روی اعتماد می‌توان آن را مدیریت کرد.

۸- این تحقیق نشان داد که باید از دایره‌های جنسیتی عبور کرده و راه را برای هویت مهرورز و شکل‌گیری آن در قالب‌های اکتسابی برای کنشگران اجتماعی فراهم کرد.

۹- این تحقیق نشان داد که انسان کنشگری خلاق است که می‌توان با انتخاب زندگی خوب برای همگان، افق جدیدی را در جامعه ایجاد کند.

۱۰- این تحقیق نشان داد که توجه به سود جمعی بر سود فردی اولویت داشته و جامعه باید در پی غلبه عشق بر پول حرکت کند. در واقع سیاست‌های مدیریتی باید رویه‌ای را برای اولویت‌های مهرورزانه نسبت به اولویت‌های سودگرایانه در نظر گیرد.

در انتها مدل حرکت دیالکتیکی از نظر به عمل در شکل نشان داده شده است که مشخص می‌کند برای رسیدن به جامعه عشق محور باید "گفتگوی مبتنی بر مراقبت، همکاری و اراده جمعی" صورت گیرد. این مدل گفتگو نیاز به تمرین و ممارست زیادی دارد و نهادهای تربیتی مثل خانواده و مدرسه و رسانه‌ها در شکل‌دهی آن نقش پررنگی خواهند داشت. همچنین فرآیند تدریجی رشد آگاهی و هوشمندی در این زمینه بسیار مهم و حائز اهمیت است.

موضوع به تکامل خود نرسیده و نیاز به بررسی دارد و ژرفانگری بیشتری را می‌طلبد. لذا یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تبیین عشق اجتماعی می‌تواند یک مسئله مهم و در خور توجه باشد که محققان و جامعه‌شناسان باید به آن توجه کنند. اما در کل می‌توان ویژگی‌های اجتماعی عشق را در این تحقیق بر اساس فهم دیالکتیکی از مصاحبه‌ها در قالب زیر خلاصه کرد:

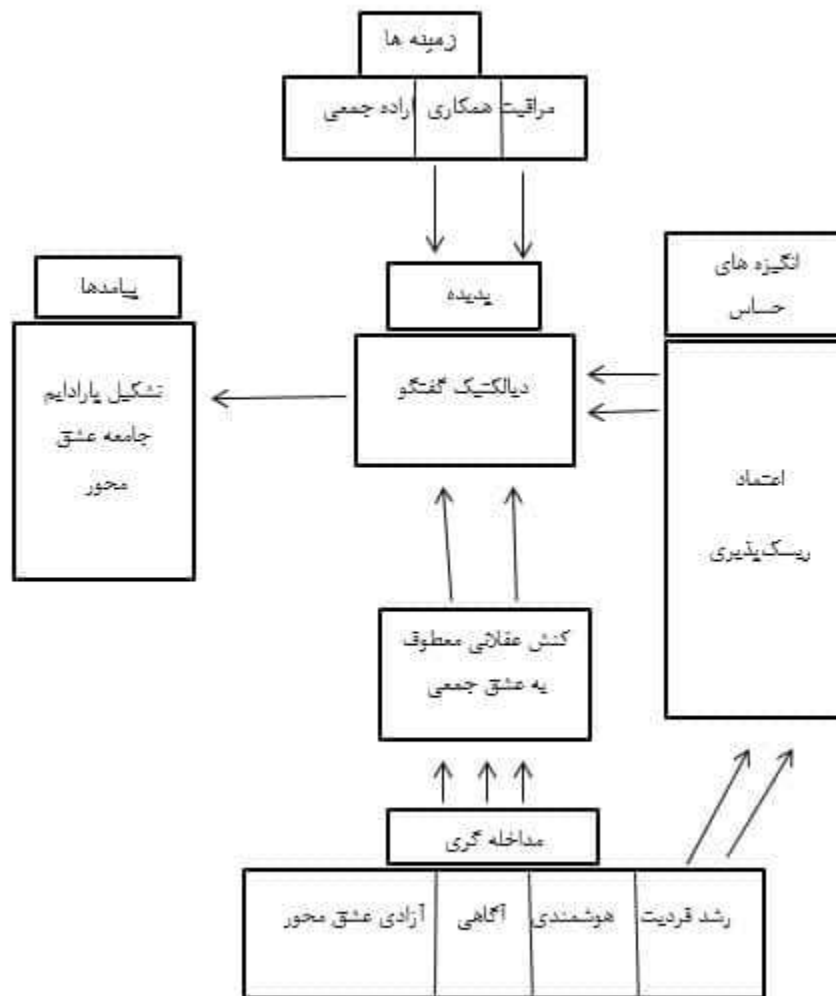
۱- عشق صرفاً در قالب رابطه خاص دو نفر محدود نمی‌شود و جنبه‌های متعدد و متنوعی دارد.

۲- در این تحقیق عشق بیشتر به جنبه‌های همکاری، همیاری مردم توجه داشته و راهکارهایی برای ایجاد پیوستگی اجتماعی ارائه می‌دهد.

۳- در قالب تحقیق فعلی عشق نوعی سرمایه اجتماعی، انسانی، فرهنگی، عاطفی و خلاق و دموکراتیک دانسته شد که تبیین آن می‌تواند در راستای توسعه همه جانبه کشور به کار گرفته شود.

۴- عشق در صورت بندی اجتماعی هم نوعی مهارت ارتباطی، گفتگومانی است، هم نوعی توانمندسازی خلاق اجزای جامعه در راستای بهتر زیستن است و هم نوعی غناءبخشی هویتی، فرهنگی در راستای تأثیرگذاری بیشتر در مسیر توسعه خواهد بود.

۵- قالب اصلی بحث در این تحقیق نشان می‌دهد که عشق مسیر اندیشیدن، ارتقاء جنبه‌های عاطفی و عقلانی کنشگران اجتماعی و رسیدن به فازهای بالاتر آگاهی را امکان‌پذیر می‌سازد. بر این مبنا در جامعه‌ای که اولویت آن عشق است آگاهی ذهنی، فکری، ادراکی، فرهنگی افراد مدنظر قرار می‌گیرد.



منابع

- استروس، آ.، و کرین، ج. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، تهران: نشر نی.
- ابوالحسن، ف. (۱۳۹۸). بررسی تفسیری سواد عاطفی معلم‌ها در دبستان دخترانه آیت‌الله مرعشی نجفی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی
- ارفعیان، ح. (۱۳۷۱). عشق و زیبایی، تهران: ناشر: مؤلف.
- آرون، ر. (۱۳۹۳). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی، فرهنگی
- بختیاری، ا. (۱۳۹۸). بررسی تفسیری پدیده خشونت؛ برآیند عشق و نفرت در خانواده‌های تهرانی مناطق ۳ و ۱۵، پایان نامه دکترا جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- بدیو، آ. (۱۳۸۸). مجموعه مقالات آلن بدیو، مترجمان: مراد فرهادپور، صالح نجفی، علی عباس بیگی، تهران: نشر فرهنگ صبا

بی‌آزار شیرازی، ا. (۱۳۹۸)، تحلیل دیالکتیکی شکل‌گیری عشق در کنش اجتماعی پیوسته، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

تنهایی، ح.، حسینی فر، م.، و نکهت، م.ج. (۱۳۹۵). شیوه‌ی پایان‌نامه‌نویسی با تأکید بر روش‌شناسی کیفی، تهران: نشر بهمن برنا.

تنهایی، ح. (۱۳۷۸). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، یزد: مه‌آباد.

تنهایی، ح. (۱۳۹۱)، تحلیلی بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی، مدرنیته در گذار، تهران: نشر علم.

تنهایی، ح. (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی معرفت و معرفت‌شناسی نظریه، تهران: بهمن برنا.

ژولین، ف. (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.

فروم، ا. (۱۳۹۷)، هنر عشق ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی، تهران: نشر مروارید.

ناظری، م. (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی ادراک عاشقانه، تهران: نشر علم.

ناظری، م. (۱۴۰۱) درآمدی بر مدرسه مهرورز خلاق، تهران: نشر علم.

ناظری، م. (۱۴۰۱). ارایه مدلی برای جامعه عشق محور بر اساس بازتعریف مفهوم عشق (مورد مطالعه: شهر تهران)، پایان‌نامه دانشگاه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

Barrett, A. (2018), How to do research interviews in different ways, Amsterdam: The clinical Teacher 15(3), 74-85.

badiou, A. (2009). *Amour et Art dans Eloge de l'amour*, Fiammarion.

Rusu, M. (2018), Theorising love in Sociological Thought: Classical Contributions to a Sociology of love, *Journal of classical sociology*, 18(1), 3-20.

Montagna, N. (2023), For a new Sociology of Social love, USA : *The American Sociologist*, 54, 338-348.

Van riel, R. (2022), weberian ideal type construction as concept replacement, *European journal of philosophy*, 30(4), 124-135.

Original Article

A Glance at Love Oriented Society with Modeling in the Field of Social Dialogue (Case Study: Tehran)

Received: 06/03/2022 - Accepted: 20/05/2022

Mehrdad Nazeri^{1*}

¹ Member of the academic staff of the Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Yadgar Imam Unit (RA), Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email:

mehrdad_nazery@yahoo.com

Abstract

Introduction: This research has been formed with the aim of building a love-oriented society. The methodological approach of the current research is a qualitative approach based on the down to earth sociology and grounded theory. In this research, in-depth interviews were conducted with twenty researchers and people who see love not only as a psychological subject in a private relationship between one person with another person, but also as a social issue. These interviews were conducted in a round-trip method and the desired data was collected in a long term. The findings of the research show that a love-centered society can be achieved in eight basic axes, which include civil dialogue, trust building as a process of strengthening citizens against risks and dangers, attention to love as a social and cultural capital, care and re-flourishing, collective sociological imagination, love-oriented will, unifying bonds and overcoming sectarianism. All of these categories show that intellectual and value infrastructure of the society must be changed to achieve a love-oriented society. In this article, most of those interviewees believe that the conditions of conversation-centered dialogue should be created and the monologue-centered dialogue should be eliminated to reach a love-oriented society. In fact, not only the issue of discrimination, lack of inclusive and preventing the collapse of humanity and preserving human individuality should be considered but also some strategies must be created for them. Because the dialectical combination of these three aspects is considered to be the main cause of Iran's underdevelopment. The core category of the findings of this research indicates that "conversation in the way of entering a win-win game", if it is formed in the society, their results would be activism and overcoming narcissism and alienation and expansion of cooperation. In addition, the game between activists can be a win-lose game in a love-oriented society, which means activists sacrifice for benefits of others.

Key words: Social love, dialogue, trust, love-oriented society

Acknowledgement: There is no conflict of interest